

نامه سرگشاده به شرکت کنندگان در کنگره سراسری نمایندگان دهقانان

رفقا، نمایندگان دهقانان،

کمیته مرکزی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (بلشویکها) که من افتخار عضویت آنرا دارم از من خواسته بود که حزبمان را در کنگره دهقانان نمایندگی کنم، اما کسالت مرا از اجرای این وظیفه معذور نموده است. لذا، اجازه ارائه دادن این نامه سرگشاده را به شما به جهت درود فرستادن به اتحادیه سراسری دهقانان و اشاره مختصر به اختلافات عمیقی که حزب ما را از یک طرف از حزب سوسیالیست رولوسیونرها [۱] و از طرف دیگر از سوسیال دمکراتهای منشویک جدا می سازد، خواستارم.

این اختلافات ژرف سه موضوع مهم را دربر می گیرند: زمین، جنگ و سازمان دولتی. تمام اراضی باید به مردم تعلق گیرند. تمام مستغلات ارضی بایستی بدون غرامت به دهقانان واگذار شوند. این کاملاً واضح است. بحث بر سر این است که آیا دهقانان در مناطق محلی باید که تمام اراضی را بلافاصله، بدون پرداخت هیچ گونه اجاره‌ای به زمینداران، اخذ نمایند یا اینکه باید تا تشکیل مجلس مؤسسان صبر کنند.

حزب ما بر آن است که دهقانان باید بدون تأخیر تمام اراضی را تصرف نموده و به آنها بطور محلی توصیه می نماید که چنین کنند، و این عمل را تا حد امکان سازمان یافته انجام داده، تحت هیچ شرایطی اجازه وارد شدن خسارت به مایملکات را نداده و از آنجا که سربازان در جبهه در مضیقه وحشتناکی به سر می برند، برای افزایش تولید گندم و گوشت هر گونه مجاهدتی بنمایند. در هر صورت، اگر چه تصمیم نهایی در مورد چگونگی سازماندهی زمین به وسیله مجلس مؤسسان گرفته خواهد شد، لیکن یک توافق مقدماتی در زمان حال، به موقع برای موسم بذریاشی در بهار، صرفاً به وسیله سازمانهای محلی در اسرع وقت می تواند تدوین شود، زیرا دولت موقت ما که دولت ملاکان و سرمایه داران است، اجلاس مجلس مؤسسان را به تعویق می اندازد و تاکنون حتی یک تاریخ مشخص را برای آن تعیین ننموده است.

تنها سازمانهای محلی در ابتدا قادر به اداره اراضی می باشند. برای برداشت محصول باید در اراضی بذر پاشیده شود. غالب دهقانان در مناطق محلی کاملاً قادر به استفاده از زمین به نحو سازمان یافته، شخم زدن و تحت کشت درآوردن آن می باشند. اگر قرار است رسانیدن غذا به سربازان در جبهه بهبود یابد، این امر ضروری است. بنابراین نمی توانیم در انتظار اجلاس مجلس مؤسسان بنشینیم. ما حق مجلس مؤسسان را در نهایت برای برقراری مالکیت عمومی بر زمین و تنظیم اداره آن به هیچ وجه رد نمی نمایم. به هر حال اکنون در فصل بهار، خود دهقانان باید بطور محلی تصمیم بگیرند که چه چیزی در این مورد انجام شود. سربازان در جبهه می توانند و باید که هیئتهایی به دهات اعزام کنند.

از آن گذشته، برای اینکه تمام اراضی به دست مردم زحمتکش انتقال یابد، اتحاد نزدیکی بین کارگران شهری و دهقانان فقیر (نیمه پرولتاریا) حیاتی است. اگر چنین اتحادی به وجود نیاید، سرمایه داران را نمی توان شکست داد. و اگر آنها شکست داده نشوند، هیچ انتقال اراضی ای به مردم، رهایی آنها را از فقر به دنبال نخواهد داشت. زمین را که نمی توان تناول کرد و بدون پول، بدون سرمایه، هیچ طریقی برای به دست آوردن ابزار کار، چهارپایان یا بذر موجود نمی باشد. دهقانان فقط به کارگران شهری و نه به سرمایه داران یا موژیکهای ثروتمند (که خود سرمایه دارند) باید اعتماد داشته باشند. تنها در اتحاد با کارگران شهری است که دهقانان فقیر می توانند مطمئن باشند که زمین، خطوط راه آهن، بانکها و کارخانجات به مالکیت عموم

زحمتکشان درخواهند آمد؛ در غیر این صورت واگذاری صرف زمین به مردم نمی تواند نیازمندی و فقر را از بین ببرد.

کارگران هم اکنون در مناطق مشخصی در روسیه شروع به برقراری نظارت (کنترل) خویش بر کارخانجات کرده‌اند. چنین کنترلی از طرف کارگران به سود دهقانان خواهد بود، چرا که به معنی افزایش در تولید و ارزانی محصولات می باشد. دهقانان باید حمایت کامل خود را از این ابتکار کارگران ابراز دارند و اتهاماتی را که سرمایه داران بر علیه کارگران اشاعه می دهند باور نکنند.

مسئله دوم موضوع جنگ است.

این جنگ، جنگ کشورگشایی است. سرمایه داران تمام کشورها با مقاصد غارتگرانه جهت افزایش سودشان آن را به راه انداخته‌اند. برای زحمتکشان این جنگ فقط می تواند متضمن ویرانی، مشقت، تخریب و ددمنشی باشد. به این خاطر است که حزب ما یعنی حزب کارگران و دهقانان دارای آگاهی طبقاتی، مؤکداً و بلاشروط این جنگ را محکوم کرده، از تصدیق سرمایه داران یک کشور در مقابل دیگری اجتناب ورزیده، از پشتیبانی سرمایه داران هر کشوری به هر نحوی دوری جسته و برای پایان هر چه سریع تر جنگ توسط سرنگونی سرمایه داران تمامی کشورها از طریق انقلابات کارگری در تمام کشورها فعالیت می نماید.

در دولت موقت فعلی ما، ده وزیر متعلق به احزاب زمینداران و سرمایه داران و شش وزیر متعلق به احزاب نارودنیک (سوسیالیست رولوسیونر) و سوسیال دمکرات منشویک حضور دارند. به نظر ما نارودنیکها و منشویکها اشتباه عظیم و مهلکی در پیوستن به دولت سرمایه داران و موافقت کلی با پشتیبانی از آن مرتکب گشته‌اند. افرادی مانند تسره تلی و چرنف امید به آن دارند که سرمایه داران را قانع نمایند که جنگ غارتگرانه فعلی را سریع و آبرومندانه تر به اتمام برسانند. اما این رهبران احزاب نارودنیک و منشویک در اشتباهند: آنها در عمل، سرمایه داران را در آماده سازی تهاجم سربازان روسی بر علیه آلمانی ها مدد می نمایند، این بدان معنی است که جنگ طولانی شده و بر تعداد قربانی های به نحو شگرف آور زیادی که مردم روسیه در جنگ نثار کرده‌اند، افزوده گردد.

ما متقاعد شده‌ایم که سرمایه داران تمام کشورها با دادن قول برقراری صلحی عادلانه و سریع، در حالی که در واقع امر این جنگ کشورگشایانه را طولانی می کنند، مردم را فریب می دهند. سرمایه داران روسی که دولت موقت سابق را کنترل می کردند و به کنترل دولت موقت جدید ادامه می دهند، حتی خواستار انتشار معاهده‌های غارتگرانه محرمانه‌ای که تزار سابق، نیکولاس رومانف با کشورهای سرمایه داری بریتانیا، فرانسه و کشورهای دیگر به منظور گرفتن قسطنطنیه از ترکها، گالیسیا از اتریشیها، ارمنستان از ترکها و غیره منعقد کرده بود، نبودند. دولت موقت این معاهدات را تأیید کرده است.

حزب ما معتقد است که این معاهدات به همان اندازه جنایتکارانه و غارتگرانه‌اند که معاهدات سرمایه داران راهزن آلمانی و امپراطور راهزن شان ویلهلم با متحدانشان می باشند.

خون کارگران و دهقانان نباید بخاطر چنین مقاصد غارتگرانه سرمایه داران ریخته شود.

این جنگ جنایتکارانه باید که هر چه زودتر به پایان رسد، نه به وسیله صلحی جداگانه با آلمان بلکه به وسیله صلح جهانی، نه به وسیله صلح سرمایه دارانه بلکه صلح توده‌های زحمتکش بر علیه سرمایه داران. تنها یک راه برای انجام چنین کاری موجود است و آن انتقال تمام قدرت دولتی به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان هم در روسیه و هم در کشورهای دیگر می باشد. تنها چنین شوراهایی قادرند بطور مؤثر به ممانعت سرمایه داران از اغوای مردم و اجتناب از طولانی شدن جنگ توسط سرمایه داران، بپردازند.

این موضوع مرا به سومین و آخرین مسئله‌ای که ذکر کردم می‌رساند: مسئله سازمان دولتی. روسیه بایستی که تبدیل به یک جمهوری دمکراتیک بشود. حتی اکثریت زمینداران و سرمایه داران روسیه که همواره خواستار سلطنت بوده‌اند، اکنون که شاهد آنند که مردم روسیه تحت هیچ عنوانی حاضر به استقرار مجدد آن نیستند، با برقراری جمهوری موافق شده‌اند. اکنون سرمایه داران تمام کوشش‌شان را مصروف آن کرده‌اند که جمهوری روسیه را هر چه بیشتر شبیه به سلطنت کنند تا با کمترین اشکالی تبدیل آن به سلطنت ممکن شود (این بارها و بارها در کشورهای زیادی روی داده است). بدین منظور سرمایه داران خواستار حفظ بوروکراسی، که در مافوق مردم قرار می‌گیرد، حفظ پلیس و ارتش دائمی، که از مردم جداست و به وسیله ژنرالها و افسران غیرانتخابی رهبری می‌شود، می‌باشند. ژنرالها و دیگر افسران اگر انتخاب نشده باشند، تقریباً بدون استثناء زمیندار و یا سرمایه دار خواهند بود. این چیزی است که از تجربه تمام جمهوریهای جهان آموخته‌ایم.

بنابراین حزب ما، یعنی حزب کارگران و دهقانان فقیر دارای آگاهی طبقاتی، برای استقرار جمهوری دمکراتیک از نوع دیگری تلاش می‌کند. ما خواهان جمهوری ای هستیم که در آن هیچ پلیسی برای ترساندن مردم وجود ندارد؛ که در آن تمام مأموران دولتی از پایین گرفته تا بالا انتخابی و هر گاه که مردم بخواهند تعویض پذیر بوده و حقوقی بیشتر از یک کارگر شایسته دریافت نمی‌دارند؛ که در آن تمام افسران به همین ترتیب انتخابی بوده و تسلیح عمومی مردم یعنی میلیشیای خلق جایگزین ارتش دائمی که همواره از مردم جدا و تابع طبقات بیگانه نسبت به مردم است، می‌گردد.

ما خواستار جمهوری ای هستیم که در آن تمام قدرت دولتی، از پایین گرفته تا بالا، کاملاً و منحصراً متعلق به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و غیره می‌باشد. کارگران و دهقانان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. قدرت بایستی که متعلق به آنها و نه زمینداران و سرمایه داران باشد.

کارگران و دهقانان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. قدرت و فعالیت‌های اداری باید به شوراهای آنها، و نه به بوروکراسی متعلق باشد.

رفقای نمایندگان دهقانان، نظرات ما چنین اند. اطمینان راسخ داریم که تجربه به زودی به توده‌های وسیع نشان خواهد داد که سیاست نارودنیکها و منشویکها چقدر اشتباه آمیز است. تجربه به زودی به توده‌ها نشان خواهد داد که مصالحه با سرمایه داران، نمی‌تواند روسیه را که مانند آلمان و سایر کشورها در آستانه یک فاجعه قرار دارد و مردم فرسوده شده از جنگ را نجات دهد. تنها انتقال مستقیم تمام قدرت دولتی به اکثریت جمعیت است که می‌تواند خلقها را نجات دهد.

ن. لنین

پتروگراد، ۷ مه ۱۹۱۷

در ۲۴ (۱۱) مه ۱۹۱۷ در شماره ۱۹ روزنامه سولداتسکایا پرودا چاپ شد.

مطابق با متن روزنامه چاپ شده است.

توضیحات

۱- سوسیالیست رولوسیونرها (اس آر‌ها) - حزب خرده بورژوازی روسیه، که اواخر سال ۱۹۰۱ به دنبال تشکیل ملغمه‌ای از گروهها و محافل مختلف نارودنیک به وجود آمد (اتحادیه)

سوسیالیست رولوسیونرها، حزب سوسیالیست رولوسیونرها و غیره). روزنامه «روسیه انقلابی» ۵-۱۹۰۰ و مجله «بیک انقلاب روسیه» ۵-۱۹۰۱، ارگانهای رسمی آنها بودند. اس آر‌ها اختلاف طبقاتی مابین پرولتاریا و خرده مالکین را نمی دیدند. آنها از اختلافات و آنتاگونیسم طبقاتی بین دهقانان چشم پوشی کرده و نقش رهبری کننده پرولتاریا را در انقلاب نفی می کردند. نظرات آنها التقاطی بود از عقاید نارودنیسم و رویونیسم، همانطوری که لنین بیان داشت، آنها سعی داشتند تا «شکافهای نارودنیسم را با تکه‌های مد روز اپورتونیستی نقد مارکسیسم وصل و پینه کنند». تاکتیکهای ترور فردی به عنوان روش اصلی مبارزه علیه استبداد، که اس آر‌ها طرفدار آن بودند، زیان عظیمی به جنبش انقلابی وارد آورده و سازماندهی توده‌ها را برای مبارزه انقلابی مشکل نمود.

در برنامه ارضی اس آر‌ها از میان بردن مالکیت خصوصی بر زمین و انتقال آن به کمونهای دهات بر اساس «اصل کار»، تصرف «برابر» زمین و توسعه تعاونی‌ها پیش بینی شده بود. در این برنامه که اس آر‌ها آن را برنامه‌ای برای «سوسیالیستی کردن زمین» می خواندند هیچ چیز سوسیالیستی وجود نداشت. لنین در بررسی این برنامه نشان داد که اگر تولید کالائی و زراعت خصوصی در زمینهای اشتراکی باقی بماند، نه حکومت سرمایه پایان خواهد یافت و نه استثمار و خانه خرابی کارگران کشاورزی. او همچنین نشان داد که عملکرد تعاونی‌ها تحت نظام سرمایه داری باعث نجات دهقانان کوچک نخواهد شد زیرا این امر در جهت ثروتمند کردن بورژوازی دهات می باشد. لنین همچنین به این نکته اشاره می کند که خواست تصرف برابر زمین اگر چه سوسیالیستی نیست ولی تاریخاً مترقی بوده و تا آن حد که علیه مالکان مرتجع باشد دارای خصلت دمکراتیک انقلابی است.

حزب بلشویک ادعای سوسیالیست بودن اس آر‌ها را بر ملا کرد. حزب به مبارزه سختی با اس آر‌ها، بخاطر نفوذشان بر دهقانان پرداخته و اثرات زیانباری را که تاکتیکهای ترور فردی آنها بر جنبش طبقه کارگر داشت آشکار نمود. در عین حال بلشویکها، تحت شرایط مشخصی، حاضر به توافقاتی موقت با اس آر‌ها در مبارزه علیه تزاریسم شدند.

عدم اتحاد سیاسی و ایدئولوژیک و بی نظمی سازمانی میان اس آر‌ها و تزلزل مداومشان بین بورژوازی لیبرال و پرولتاریا از این حقیقت سرچشمه می گرفت که دهقانان طبقه‌ای همگون را تشکیل نمی دادند. هنوز در دوران انقلاب اول روسیه بود که جناح راست اس آر‌ها از حزب جدا شده و حزبی قانونی به نام «حزب کارگر سوسیالیست خلقی» را که دارای نظراتی نزدیک به کادتها بود، تشکیل داد، جناح چپ اتحادیه نیمه آنارشیست «ماکسیمالیستها» را به وجود آورد. در دوره ارتجاع استولیبین، حزب سوسیالیست رولوسیونر به شکست کامل ایدئولوژیک و سازمانی دچار شده و جنگ بین المللی اول شاهد سوسیال شوینیست شدن بیشتر اس آر‌ها بود.

پس از پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷، اس آر‌ها همراه با منشویکها و کادتها پایگاه اصلی دولت ضدانقلابی سرمایه داران - مالکان شده و رهبران این حزب (کرنسکی، اوکسنتیف و چرنف) از اعضای این دولت بودند. حزب اس آر حاضر به پشتیبانی از خواسته‌های دهقانان برای لغو روابط فئودالی نشد و در حقیقت از ابقاء آن پشتیبانی کرد. وزرای سوسیالیست رولوسیونر در دولت موقت هیئتهای جزائی را برای دهقانانی که املاک را تصرف کرده بودند، اعزام داشتند.

کمونستهای انقلابی